

# بایسته‌های معارف در اتحاد جامعه چندفرهنگی افغانستان

راضیه تقوی‌زاده<sup>۱</sup>

دکتر محمدحیدر یعقوبی<sup>۲</sup>

---

۱. محصل ماستری رشته مدیریت آموزشی جامعه المصطفی (ص) العالمیه-واحد کابل. ۰۰۹۳۷۷۵۰۴۵۹۰۳.

۲. دکتر محمدحیدر یعقوبی، امر دیپارتمنت مدیریت آموزشی دانشگاه بین المللی المصطفی (ص).



## چکیده

این مقاله در مورد بایسته‌های معارف در اتحاد جامعه چندفرهنگی افغانستان به رشته تحریر در آمده است. تنوع قومی و فرهنگی موضوع پیچیده‌ای است که از یک سو با مساله فرهنگ، هویت و وحدت ملی مرتبط است و از سوی دیگر زمینه و بستر بسیاری از بحران‌ها، خشونت‌ها و تنش‌های دامنه‌دار داخلی در جوامع چندقومی و چندفرهنگی به‌شمار می‌رود و افغانستان یکی از جوامع چندفرهنگی است که از گسست، اختلاف، کشمکش و درگیری‌های چندسویه و چندلایه فرهنگی رنج می‌برد. پرسش اصلی عبارت است از این که بایسته‌های معارف در اتحاد جامعه چند فرهنگ افغانستان چه نقش دارد؟ فرضیه تحقیق این است که بین بایسته‌های معارف و اتحاد جامعه چندفرهنگی افغانستان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. هدف از این تحقیق به‌کارگیری روش اکادمیک مدیریت آموزش و پرورش کشور است تا در اتحاد جامعه مفید واقع شود. این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل عدم اتحاد در جامعه چند فرهنگی افغانستان، نواقص کتاب‌های درسی، روش کلاسیک تدریس معلمان، ساختار اداری و سیاست‌گذاری‌های نادرست آموزشی در کشور است. در این تحقیق از پرسشنامه محقق‌ساخته در حدود پنجاه سؤال در رابطه به محتوای نصاب تعلیمی و چگونگی بایسته‌های معارف و روش تدریس معلمان و رابطه آن‌ها در رسانیدن شاگردان به اتحاد طرح و از ۲۰۰ نفر معلمان مکاتب دولتی ناحیه سیزدهم تعلیمی شهر کابل نظرخواهی به عمل آمد و داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

واژگان کلیدی: معارف، اتحاد جامعه، فرهنگ، خرده‌فرهنگ، چندفرهنگی.

## مقدمه

افغانستان به‌عنوان یکی از کشورهای چندفرهنگی است، اختلاف و کشمکش‌ها و درگیری‌های چندسویه رنج می‌برد. اختلافاتی که نه تنها وحدت درونی آن را تا آینده‌های نامعلوم در هاله‌ای از ابهام فرو برده بلکه کژکاردهای بس عظیمی را در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در پی داشته است.

تنوع قومی-فرهنگی موضوع پیچیده‌ای است که از یک‌سو با مساله فرهنگ، هویت و وحدت ملی مرتبط است و از سوی دیگر زمینه و بستر بسیاری از بحران‌ها، خشونت‌ها و تنش‌های دامنه‌دار داخلی در جوامع چندقومی-فرهنگی به‌شمار می‌رود. واقعیت آن است که دانش دانشمند در فرهنگ بشری از جمله در ادیان ابراهیمی از جایگاه بسیار بالای برخوردار است.

معرفت چشم و چراغ انسان و جوامع انسانی است و نقش تعیین‌کننده در حل معضلات و مسائل انسانی داشته و دارد. امروزه دست‌آوردهای مادی و معنوی معرفت در رستای رفاه و سعادت انسان و ایجاد همدلی در جوامع انسانی بر کسی پوشیده نیست. واقعیت دیگر آن است که افغانستان به‌عنوان یکی از جوامع چندفرهنگی از گسست، اختلاف و کشمکش و درگیری‌های چندسویه و چندلایه فرهنگی رنج می‌برد. اختلافاتی که نه تنها وحدت درونی آن را تا آینده‌های نامعلوم در هاله‌ای از ابهام قرار داده است، بلکه کژکاردهای بس عظیمی را در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در پی داشته است، که سؤال‌ها به شرح ذیل‌اند:

۱. بایسته‌های معارف در اتحاد جامعه چندفرهنگی افغانستان چیست؟
  ۲. بایسته‌های نظام تعلیمی کشور در راستای اتحاد جامعه چندفرهنگی افغانستان چیست؟
  ۳. بایسته‌های محتوایی نصاب تعلیمی و بایسته‌ها روش‌های تدریس معلمان در اتحاد جامعه چندفرهنگی افغانستان چیست؟
- کنار آمدن با تنوع صداهای درونی یک وظیفه آموزشی برای جامعه، فرد و

مکتب است. این همان چیزی است که به معنای رشد در یک جامعه چندفرهنگی و در یک دنیای چندفرهنگی است. «من تلاش می‌کنم که دانش‌آموزان اقلیت خود را به‌عنوان برنده ببینم. بسیاری از دانش‌آموزان اقلیت دارای اهداف بالایی هستند. آن‌ها به معلمانی نیاز دارند، که باور دارند آن‌ها می‌توانند موفق باشند و می‌خواهند به آن‌ها برای رسیدن به موفقیت کمک کنند».

اهداف اساسی و مهم برنامه درسی چندفرهنگی اغلب مشخص و معین‌اند. اما برخی آن را بسیط و برخی خلاصه‌تر بیان کرده‌اند. از میان این صاحب‌نظران دیویدمن (۱۹۰۷) اهداف برنامه درسی چندفرهنگی را به موارد اساسی زیر محدود می‌کند: برابری آموزشی، دانش گسترده در باره گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی و درک مفاهیم بین‌فرهنگی، بین‌گروهی، بین قومی در کلاس، مدرسه و جامعه ارائه می‌گردد.

### ۱. مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری و پیشینه پژوهش به دو بخش تقسیم شده است. در ابتدا انواع پژوهش‌هایی که در زمینه موضوع مورد بحث صورت پذیرفته بیان شده است و در ادامه به بعضی از مبانی نظری که در تحلیل محتوا کمک کرده بیان شده‌اند که پیشینه تحقیق را میشود به نحو خلاصه‌وار اشاره کرد:

۱. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای جامعه چندفرهنگی: در مجموع به سه دست سیاست‌گذاری برای جامعه چندفرهنگی قابل طرح و بررسی است، «یکسازسازی فرهنگی»، «تکثرگرایی فرهنگی» و «وحدت در تکثر فرهنگی». (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی ۱۳۸۷: ۹۵) الگوی یکسازسازی فرهنگی یعنی این‌که تمام خرده‌فرهنگ‌ها ادغام گردیده و یک فرهنگ عمومی شکل بگیرد.

دومین رویکرد، کثرت‌گرایی فرهنگی است، به این معنا که هر فرهنگ موجود، در جامعه از استقلال برخوردار باشد و هیچ یک مانع دیگری نباشد.

سومین مبانی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه جامعه و فرهنگ حفظ وحدت در عین تکثر فرهنگی است. بر اساس این رویکرد با این‌که از فرهنگ‌های مختلف حمایت می‌شود و هر خرده‌فرهنگ قابل حمایت است، ولی وحدت عمومی حفظ می‌گردد. به نظر میرسد دیدگاه سوم مناسب‌ترین مبانی در افغانستان به حساب آید. زیرا تنوع و تکثر فرهنگی و قومی در این کشور بسیار بارز و هویدا بوده و قابل حذف و ادغام نخواهد بود. (فیاض، ۱۳۹۳: ۷۵)

۲. برنامه‌ریزی متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی: بنابراین وقت صحبت از برنامه‌ریزی است صرفاً فرایند یاددهی و یادگیری دانش‌آموزان و پرداختن به مسائل علمی نیست، بلکه برنامه‌ریزی برای برآوردن نیازهای فردی و اجتماعی است که تأثیر بر سرنوشت یا زندگی افراد جامعه نیز دارد. البته برنامه‌ریزی آموزشی از مهم‌ترین فرایندهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای آینده کشور به حساب می‌آید. زیرا ارتباط مستقیم با نسل‌های جدید جامعه داشته و می‌تواند فرهنگ تکثرگرایی را با حفظ وحدت ملی برای آنان نهادینه نماید. یکی از اهداف برنامه‌ریزی آموزشی در جامعه چندفرهنگی می‌تواند رسیدن دانش‌آموزان و دانشجویان به تفاهم ملی و احترام به خرده‌فرهنگ‌های موجود در سطح عمومی باشد. با توجه به ماهیت جامعه چندفرهنگی افغانستان، ضرورت برنامه و سیاست‌گذاری کلان نظام آموزشی که مبتنی بر وحدت ملی و اخوت اسلامی باشد، غیر قابل انکار است.

۳. برنامه‌ریزی برای آینده‌سازان کشور: برنامه‌ریزان آینده‌ساز یا مهندسان اجتماعی معتقدند که آینده را به واسطه‌ی آموزش و پرورش می‌توان ساخت، آینده هم اکنون با ماست. این جمله اشاره به این مسأله دارد که کودکان فعلی مردان و زنان آینده خواهند بود و اجتماع آینده را آنان تشکیل می‌دهند. اجتماع را انسان‌ها می‌سازند و انسان‌ها را آموزش و پرورش؛ براین اساس، برنامه‌ریزان فارغ از جریان‌ات گذشته، امروز تصویر از آینده دلخواه و

مطلوب رسم کنند و برنامه‌هایی تنظیم کنند که از طریق آموزش و پرورش خصوصیات، بینش‌ها، و دانش‌های مناسب و مورد نیاز در کودکان و نوجوانان پرورش یابد. (فیاض، ۱۳۸۹: ۱۸)

فرهنگ: وابستگی‌های فرد به محیط اطرافش، گروه، شیوه زیستن و نگرش‌اش به جهان، عواملی‌اند که موجب می‌شوند فرهنگ آن شخص به شیوه خاص شکل یابد، ارزش‌ها، هنجارها و پیش‌فرض‌های که در زیربنای هر فرهنگی در باره زندگی وجود دارند، در پیوند با شرایط محیطی، در تعیین فرهنگ نقش مهمی دارند.

خرده‌فرهنگ: در همه جوامع، گروه‌های با ویژگی‌های فرهنگی مختص به خود که در فرهنگ اصلی و مسلط جامعه شریک‌اند، اما دارای ارزش‌ها، هنجارها، زبان یا فرهنگ مادی مشخص و ویژه هستند، جامعه‌شناسان این گروه‌ها را خرده‌فرهنگ می‌نامند. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴)

تنوع فرهنگی: تنوع فرهنگی از جمله مسائل عمده است که جوامع معاصر با آن مواجه‌اند، از این رو، در میان مهارت‌های مورد نیاز قرن بیست‌ویکم، توانایی تطبیق مستمر با افراد از فرهنگ‌های مختلف و توانایی برقراری ارتباط بین فرهنگی با آن‌ها حایز اهمیت فراوان است. سواد چندفرهنگی جزء از رویکرد آموزش مبتنی با آموزش چندفرهنگی است به طوری که به ایجاد یک جامعه دموکراتیک یک‌پارچه که در آن افراد در عین حفظ فرهنگ و هویت‌های شخصی، سعی در درک و احترام به فرهنگ دیگران دارند، هدف این رویکرد، داشتن افرادی است که بتواند در محیط متنوع امروزی فعالیت کرده و به فرهنگ «دیگری» احترام بگذارند. (صادقی و هواس بیگی، ۱۳۹۸: ۱۸۸-۲۲۳)

آموزش چندفرهنگی: دومین نکته‌ای که برای یک جامعه چندفرهنگی مهم است مسأله آموزش است. آموزش در افغانستان به دو بخش دولتی و غیر دولتی - مذهبی تقسیم می‌شود. در گذشته همان‌گونه که اشاره شد نظام آموزش هم

به‌لحاظ محتوایی، هم به‌لحاظ توزیع جغرافیایی و هم به‌لحاظ اختصاص منابع و امکانات دولتی، نابرابر و تبعیض‌آمیز بود. بنابر این، نظام آموزشی باید هم به‌لحاظ محتوایی و هم به‌لحاظ توزیع جغرافیایی و برخورداری از امکانات ملی اصلاح شود.

در بحث اصلاح محتوایی باید به سه نکته توجه شود:

اولین مسأله که در اصلاح محتوایی باید مد نظر قرار گیرد آموزش مذهبی است. مطابق قانون اساسی جدید اگرچه شیعیان اجازه یافته‌اند که در مدارس دولتی مضامین دینی خاص خود را فراگیرند و دیگر مثل گذشته مجبور نباشند مطابق مذهب اهل سنت آموزش ببینند، اما این برای یک جامعه چندفرهنگی کفایت نمی‌کند؛ زیرا به‌جای آن‌که به همگرایی اقوام و فرهنگ‌های مختلف کمک کند. آن‌ها را تبدیل به جزایر جداگانه می‌کند. در حالی که همگرایی در جامعه چندفرهنگی نیاز به شناسایی متقابل دارد و شناسایی متقابل مستلزم آن است که نظام آموزشی کشور اقوام و فرهنگ‌های مختلف-از جمله مذاهب مختلف-را به یک دیگر معرفی کند. بنابراین محتوای که آموزش داده می‌شود باید به‌صورت مقایسه‌ای- و البته بدون داوری نسبت به حقانیت یک مذهب خاص- میان مذاهب و فرهنگ‌های مختلف کشور باشد.

دومین نکته در اصطلاح محتوایی، اهتمام به اصلاح متن درسی تاریخ است. کتاب‌های درسی تاریخ باید هم بخش سیاه تاریخ افغانستان یعنی نحوه رفتار با اقوام محروم و قتل عام و غصب سرزمین‌های هزاره‌ها را حکایت کند و هم نقش تاریخی و سازنده سایر اقوام را در رشد و بالندگی کشور توضیح دهد. همچنین اسطوره‌های تاریخی - فرهنگ اقوام محروم را در متون تاریخی برجسته کند و دیگر چون گذشته تنها به نمادپردازی و اسطوره‌سازی برای یک قوم خاص اکتفا نکند.

سومین مسأله در اصطلاح محتوای آموزشی، زبان است. وضعیت کنونی زبان



آموزش، دقیقاً بسان مذهب است و به آشنایی متقابل و در نتیجه درک متقابل گروه‌های زبانی بایگدیگر منجر نمی‌شود، بلکه نظام آموزشی به گونه‌ای طراحی شود که آموزش زبان‌های عمده رایج کشور - فارسی، ترکی، و پشتو - برای دانش‌آموزان الزامی باشند. (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۷۳)

محتوای برنامه‌ای درسی چندفرهنگی: الیوت آیزنر از صاحب‌نظران برجسته آموزش و پرورش در دنیا و یکی از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه برنامه درسی است. در این تحقیق از میان دیدگاه‌های مختلف برنامه‌ریزی درسی دیدگاه الیوت آیزنر (۱۹۹۴: ۹۶) برای تبیین و طراحی ابعاد برنامه‌ریزی درسی برگزیده شده است. دلیل اصلی انتخاب دیدگاه الیوت آیزنر توجه وی به ماهیت، برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان فرایند پویا، دیالکتیکی و غیرخطی است، بطوری‌که وی به‌جای استفاده از عبارت «مراحل برنامه‌ریزی درسی»، عبارت «ابعاد برنامه‌ریزی درسی» را انتخاب نموده است و هفت عنصر را برای تبیین برنامه‌ریزی درسی ذکر کرده است که عبارت‌اند از:

۱. تعیین هدف.
۲. تدوین محتوای برنامه درسی.
۳. سازمان‌دهی محتوا.
۴. پیش‌بینی فرصت‌های یادگیری.
۵. سازمان‌دهی فرصت‌های یادگیری.
۶. روش‌های ارائه آموزش و ارائه پاسخ.
۷. ارزش‌یابی.

محتوای برنامه درسی چندفرهنگی برای دوره تعلیم و تربیت عمومی شامل چه ویژگی‌های است؟

در الگوی برنامه درسی آیزنر، محتوا باید برای مخاطبان برنامه درسی معنادار باشد و با توجه به تجارب مختلف دانش‌آموزان که ناشی از محیط زندگی آنها

است بهتر است به معلمان و دانش‌آموزان در انتخاب محتوا آزادی عمل داده شود. یعنی بتوانند از میان انواع مختلف محتوا که در اختیارشان قرار می‌گیرد دست به انتخاب بزنند.

باوجوداین، محتوای برنامه درسی چندفرهنگی برای دوره ابتدایی در راستای اهداف، باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱. محتوای برنامه درسی ابتدایی باید چندآوایی باشد، به عبارت بهتر محتوا باید طوری تدوین گردد که به تنوع فرهنگی دانش‌آموزان حساس پاسخ‌گو باشد.

۲. محتوای چندفرهنگی باید به بزرگواری، عظمت معنوی و کرامت همه انسان‌ها در آن تأکید شود.

۳. محتوا باید در بازشناسی، حفظ و گسترش تاریخ، هنر، فرهنگ، آداب و رسوم، سنت‌ها، هنجار و ارزش‌های قومی به شاگردان کمک کند.

۴. محتویات باید کامل و دقیق بوده و همکاری جنبه‌های فکری تمام گروه‌های قدردانی کند.

۵. محتوا باید تنوع قومی، محیطی، مذهبی و زبانی را منعکس کند.

۶. توجه و تمرکز محتوا همواره باید آکنده از مطالبی باشد که اصول همچون درک و تحمل آرای متفاوت دیگران، احترام به دین و زبان، مذهب و میراث فرهنگی دیگران و ترویج صلح و دوستی را سرلوحه کار خود قرار دهد.

۷. برای دانش‌آموزان اقلیت‌های مختلف دینی و مذهبی، برنامه درسی خاص در کنار برنامه درسی رایج تدارک ببیند.

۸. رشد سواد خواندن و نوشتن به زبان مادری و محلی در کنار زبان فارسی همواره مورد تأیید و حمایت باشد.

۹. حوزه‌های مختلف یادگیری به تناسب باید آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها، انتظارات، تاریخ، قهرمانی‌ها و فرهنگ هر گروه به‌عنوان گروه‌های فعال و پویا در

جامعه را در محتوای برنامه درسی لحاظ کرده و سهم و نقش که هریک از این خرده‌فرهنگ‌ها در شکل‌گیری هویت ملی داشتند را برجسته ساخته و مورد تقدیر قرار دهند.

۱۰. محتوا در این درس باید طوری تدوین شود که دانش‌آموزان مختلف متعلق به فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر امکان امتزاج داشته باشند تا بدین طریق زمینه و آمادگی لازم را برای انجام فعالیت‌های اجتماعی در باخت چندفرهنگی فراهم گردد.

۱۱. محتوای این درس در فصول مختلف خود باید در خصوص ناپسندی در راستای تحقیر ویژگی‌های فرهنگ‌های مختلف یا نفی عقاید دیگران و متعاقب آن احترام به هم‌نوعان خود محتوای مناسبی را تدارک ببیند.

۱۲. محتوا باید طوری تدوین گردد که به شئون تربیتی و اخلاقی هر کودک، معلم و والدین (چون احترام به زبان، میراث فرهنگی) احترام گذاشته شود.

۱۳. محتوا باید در اشاعه و ایجاد نگرش‌ها و برخورد مثبت با افراد و گروه‌های مختلف فرهنگی شاگردان کمک کند.

۱۴. محتوا باید بدور از تبعیض، تعصب، پیش‌داوری یا عقاید قالبی نسبت به دیگران بوده و سعی در ایجاد فرصت برابر برای گنجاندن صدای همه فرهنگ‌ها به‌ویژه علایق و تجارب فرهنگی آن‌ها در برنامه درسی را داشته باشد.

۱۵. محتوا باید با وسواس بیشتری تدوین گردد؛ طوری که از کار بست کلمات، تعابیر و تصاویری که موجوبات تحقیر دانش‌آموزان اقلیت‌های قومی، مذهبی را فراهم می‌آورند پرهیز گردد.

۱۶. محتوا باید صدای همه فرهنگ‌ها به‌ویژه علایق و تجارب فرهنگی، نوع گویش محلی و زبان آن‌ها را در برنامه درسی منعکس سازد.

۱۷. لازم است محتوا در برقراری تعامل و ارتباطات جهانی بین فرهنگ‌ها و استفاده از دست‌آوردهای علمی و فرهنگی آن‌ها برای پیشرفت علم و تمدن یا دیگر دانش‌آموزان باشد.

۱۸. محتوا باید طوری تدوین گردد که زمینه استفاده از روش‌های متنوع، آموزش، تدریس و ارزش‌یابی را فراهم آورد.

گفتنی است یکی از مسائل بسیار مهم در تدوین محتوا، همواره این مورد بوده است که دانش و معلومات چگونه باید انتخاب شود، چه کسی تصمیم می‌گیرد که چه چیزی بیشتر از همه ارزش تعلیم و یادگیری را دارد. چه رابطه‌ای بین آن‌ها در کلاس و فرایند انتخاب دانش و معلومات وجود دارد؟ به همین منوال نگرانی مهمی جنبش‌های چندفرهنگی این بوده که چه چیزی دانش و معلومات به‌شمار می‌آید، و چه کسی تصمیم می‌گیرد در این راستا باید گفت؟ جنبش‌های چندفرهنگی به‌جای این که دقیقاً توضیح دهند که چه چیزهای باید هرکس یاد بگیرد و اتفاق نظری هم در این مورد ندارند، ولی آن‌ها گنجینه‌های متنوعی از علم و دانش را برای دست‌یابی به اهداف فوق‌مفید دانسته و در عین حال عرصه‌های را برای تحقیق، بحث و گفتگو فراهم کرده‌اند. (عبدلی، احمدی، صادقی، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۷)

معلم و جامعه چندفرهنگی: معلمان و استادان به حیث مربیان و انسان‌سازان فرزندان یک کشور، نقش‌های برجسته و تأثیرگذاری را در میان دانش‌آموزان و دانشجویان ایفا می‌کنند. در مکاتب الگوی فرهنگی به‌حساب آمده و به‌طور کلی نقش بسیار گوناگونی برای دیگران خواهند داشت.

نقش عینی و الگویی معلم و پیش‌فرض‌های ضروری: معلمان و اساتید در میان دانشجویان نقش برجسته‌ای دارند، رفتارها، کنش و واکنش‌های آن، ارتباط مستقیم با فراگیران خواهند داشت ممکن است به‌صورت ناخودآگاه و غیررسمی حرف‌های بزنند و رفتارهای را انجام دهند مبین برادری، اتحاد اقوام و مذاهب،

طرقی، پیشرفت علمی و فرهنگی کشور، جدای از مسائل قومی و مذهبی باشد. یا به مسائل دامن بزنند که بیانگر برتری‌های طبقاتی، نژادی و مذهبی و حتی منطقه‌ای باشند. معلمان جدا از تدریس موضوعات و محتوای درسی می‌توانند نقش هماهنگ‌کننده نسل‌های جدید به‌منظور حقایق و جامعه‌پذیری را ایفا کنند. یعنی با ایجاد راهکارهای مناسب، روحیه همگرایی ملی، مسئولیت‌پذیری را بین دانش‌آموزان بالا ببرند. آنان با جمعیت کثیری بنام دانش‌آموزانی از سال اول ابتدایی تا سال دوازدهم سرکار دارند. بهترین دورانی که فرزندان یک کشور مهارت‌های فنی، علمی، هویت فردی و جمعی را فرا می‌گیرند. براین اساس نقش معلم در اتحاد و هماهنگی دانش‌آموزان چندفرهنگی بسیار سازنده و مؤثر است.

پیش فرض‌های ضروری برای معلمان در همه جوامع به ویژه در جامعه چندفرهنگی همانند افغانستان مطرح‌اند و آن این است که رویکرد دولت مبتنی بر ازدیاد حقوق و استخدام معلمان ویژگی‌های چندفرهنگی باشد. به عبارت دیگر از آن دسته افرادی که در مناطق دیگر قومی مذهبی به‌طور صادقانه، وظیفه معلمی خویش را انجام داده و خدمت می‌کنند و متعلق به آنان نیستند، بیشتر حمایت شوند زیرا این کار باعث تبادل فرهنگی و رسومات اجتماعی می‌گردد. با این پیش فرض‌ها و نظر داشت‌ها می‌توان به‌کار آرایشی و تأثیرگذاری معلمان در پیشرفت و یگانگی جامعه چندفرهنگی افغانستان اذعان نمود. (فیاض به نقل از موریش ۱۳۷۹: ۷۹)

شایستگی‌های معلمان: الف) شایستگی تخصصی رشته‌ای: در این بعد معلم باید در حوزه‌ای که قرار است به تدریس بپردازد، سطح از صلاحیت‌ها را دارا باشد، این سطح البته در کشورهای مختلف متفاوت است. مثلاً در کانادا متأسفانه یا شاید هم خوشبختانه تخصص رشته‌ای معلمان به‌ویژه در سطح دبیرستان خیلی در سطح بالایی قرار ندارند، اما در برخی از کشورها بسیار به این مهم توجه می‌شود. مثلاً ایران به شایستگی‌های رشته‌ای معلمان تا حدودی زیادی توجه

می‌شود.

ب) شایستگی‌های تدریس: این بعد از شایستگی هم در کشورهای مختلف از نوساناتی برخوردار است. کشورهای مثل کانادا، آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی به ویژه فنلاند، هلند و انگلستان در این زمینه پیشتاز هستند، در ایران نیز به ویژه با رویکرد جدیدی که بعد از تأسیس دانشگاه فرهنگیان به وقوع پیوست این رویکرد به شدت پیگیری شد و گفتند که معلم ریاضی باید ریاضی بلد باشد. روان‌شناسی و برنامه‌ریزی درسی به چه کار معلم می‌آید؟!

ج) شایستگی‌های روان‌شناختی: بعد سوم از شایستگی‌ها ناظر است به موضوع نحوه کنش و واکنش معلمان و رفتار معلمان با سایر کارکنان و ذی‌نفعان مدرسه به ویژه دانش‌آموزان است. در ایران تقریباً چیزی بنام تست رفتار، تست شخصیت و موارد مشابه در ابتدای جذب و استخدام معلمان نداریم. آن چیزی که در اغلب نظام‌های آموزشی دنیا حتی بیش از دو مورد قبل اهمیت دارد.

د) شایستگی‌های چندفرهنگی: این گونه شایستگی‌ها به ویژه در دو سه دهه اخیر بسیار برجسته شده است، این شایستگی‌ها ناظر به این است که معلمان علاوه بر صلاحیت‌های قبلی باید نگاه سوء و منفی به دانش‌آموزان اقوام و فرهنگ‌های دیگر نداشته باشند. نه تنها نگاه منفی بلکه حتی علاقه‌مند کار با دانش‌آموزانی که دارای تنوع از فرهنگ‌ها، نژادها، و ادیان هستند باشند. نه تنها تنوع و تفاوت‌های دانش‌آموزان آن‌ها را نیاز دارد بلکه کار با آن‌ها لذت‌بخش هم باشد. در کانادا موسسه‌ای برای سنجش این ویژگی «گواهی صلاحیت چندفرهنگی معلمان» را اعطا می‌کنند.

ضرورت و اهمیت برنامه‌ریزی درسی: برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی از اساسی‌ترین نوع سرمایه‌گذاری برای نسل‌های آینده به‌شمار می‌رود. همچنان این سرمایه‌گذاری در راستای انکشاف منابع و نیروی انسانی صورت می‌گیرد. هدف از فعالیت‌های آموزشی رشد، آگاهی و توانمندسازی انسان‌هاست. از طریق

این فعالیت‌ها نسبت به امور و مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و محیط زندگی آگاهی می‌یابیم و راه‌حل مناسب را نیز در زمینه حل مسائل و مشکلات پیش‌کش می‌کنیم. نظام آموزشی با فعالیت‌های آموزشی بیشترین نیروی انسانی را از لحاظ کمیت، نسبت به سایر سازمان‌های اجتماعی در خود جای داده است. (پرویز ۱۳۹۵: ۱۵)

مبانی فلسفی آموزش چندفرهنگی: برای آموزش چندفرهنگی چارچوب‌های تئوری و فلسفی متعددی وضع شده است اما طبقه‌بندی رایس (۲۰۱۱: ۷) دیدگاه جامع را در زمینه چارچوب فلسفی و زمینه تئوریک آموزش و پرورش چندفرهنگی به تصویر می‌کشد که به تکیه بر آن‌ها می‌توان دلایات‌های مبانی فلسفی مبتنی بر برنامه درسی چندفرهنگی را استخراج نمود. این چارچوب عبارت از:

۱. چندفرهنگی‌گرایی لیبرال: چندفرهنگی‌گرایی لیبرال بر تنوع فرهنگی، تجلیل از تنوع قومی و تحمل بردباری تأکید می‌کند. رویکرد لیبرال از آموزش چندفرهنگی به‌عنوان نیاز به تنوع و کثرت‌گرایی و پذیرش تفاوت‌ها تأکید می‌کند. دیدگاه لیبرال در آموزش بیشتر بر محتوای برنامه درسی تأکید می‌کند. این چارچوب فلسفی که بر شعار «بیا تا یکدیگر را بهتر بشناسیم» و «با یکدیگر کنار بیاییم» استوار است. (صادقی ۱۳۹۴: ۷۴)

۲. چندفرهنگ‌گرایی انتقادی: این دیدگاه نابرابری‌های قدرت و نژادگرایی را مبنای جهت اهمیت دادن به شناسایی و حقوق اقلیت‌ها و دفاع از چندفرهنگی نمودن جامعه می‌داند. از نظر چندفرهنگ‌گرایان انتقادی مسائل عدالت، برابری و برتری را نمی‌توان بدون جواب مؤثر به سؤال‌های مشکل و اساسی در این حوزه مورد بررسی و کنکاش قرار داد. در واقع دیدگاه انتقادی به دنبال عدالت و برابری از طریق تمرکز بر روابط میان برابری و برتری از یک سو و اشکال نژادی، قومی و طبقه‌ای از سوی دیگر است. از دیدگاه طرفداران این رویکرد برنامه درسی باید قابل تغییر باشد و مریبان به‌عنوان عاملان

چندفرهنگ‌گرایی انتقادی باید وارد گفتگوی دموکراتیک با یکدیگر شوند تا برنامه‌های تدوین کنند که تفکر انتقادی و شمولیت دانش را گسترش دهند. به‌طور خلاصه، آرمان اصلی این رویکرد مواجهه و رد کردن یک جریان غالب فرهنگی با هدف توزیع عادلانه قدرت در مدرسه و جامعه است.

۳. چندفرهنگی آزادی‌خواهانه: در این رویکرد تأکید عمده بر ماهیت برابری و برادری افراد انسانی از گروه‌های مختلف نژادی، مذهبی، جنسیتی است. اعتقاد بر این است که نابرابری ناشی از نبود فرصت و اختیار است. طرفداران این گروه مدعی بی‌طرفی ایدئولوژیکی هستند، مبتنی بر آن‌که سیاست بایستی از آموزش جدا شود.

۴. چندفرهنگی کثرت‌گرا: در این دیدگاه تأکید بیشتر روی تفاوت‌هاست (نژادی، طبقه‌ای و جنسیتی) نه تمرکز بر شباهت‌ها. آن‌ها بر این عقیده‌اند که برنامه‌های درسی می‌بایست به مطالعه و بررسی گروه‌های مختلف فرهنگی بپردازد و هدف آرمانی این دیدگاه افزایش غرور و عزت نفس میراث‌های مختلف قومی است. به‌طور خلاصه، باید گفت که تربیت کودکان در جهت ایجاد نگرش مثبت به فرهنگ‌های گوناگون و پذیرش تفاوت‌های موجود بین افراد، زیربنای فلسفی این آموزش را تشکیل می‌دهد.

## ۲. روش‌شناسی

از آنجا که در این مطالعه دیدگاه معلمان مکاتب دولتی حوزه سیزدهم تعلیمی شهر کابل در مورد بایسته‌های معارف در اتحاد جامعه چندفرهنگی افغانستان و هم درباره محتوای نصاب تعلیمی و روش تدریس معلمان بررسی می‌گردد، لذا از نظر روش در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف تحقیقات کاربردی به‌شمار می‌آید.

جامعه آماری این پژوهش ۱۴۷۸ نفر از معلمان مکاتب دولتی حوزه سیزدهم تعلیمی بود که از سه لیسه: عبدالرحیم شهید و لیسه‌های پسرانه و دخترانه سید



الشهدا بر اساس برآورد نمونه کوکران و نمونه برداری تصادفی ساده ۲۰۰ نفر از این جامعه آماری به عنوان نمونه انتخاب شدند.

در این تحقیق برای آزمون پرسش‌های تحقیق از پرسش‌نامه محقق ساخته در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت تدوین شده بود. برای تضمین اعتبار صوری و محتوای پرسش‌نامه از نظرات صاحب نظران و اساتید گروه علوم تربیتی و مدیریت بهره گرفته شد و به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه و بروز مشکلات احتمالی پیش‌نویس آن در میان ده نفر از جامعه مورد نظر آزمون شد.

### ۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

از پنجاه سؤال محقق ساخته پرسش‌نامه، بیست سؤال به عنوان نمونه آورده شده که نشان می‌دهد محتوای کتب درسی هیچ اشاره‌ای به اتحاد بین اقوام نکرده و آمار از گزینه خیلی کم به طرف گزینه خیلی زیاد پایین آمده و همچنین روش تدریس معلمان و کارکرد معلمان برای رسانیدن شاگردان به اتحاد گزینه‌ها از خیلی کم به طرف خیلی زیاد پایین آمده است. تنها دو سؤال که عبارت از یونیفورم شاگردان و سرود ملی افغانستان است که نمایندگی از همه اقوام دارد گزینه‌ها از خیلی کم به طرف خیلی زیاد، بالا رفته است. در جدول ذیل که سؤال آخر در مورد بودجه ای آموزشی است دولت با بحران توزیع بودجه مواجه است؛ زیرا جدول ما عدد ۴۱٪ را در گزینه خیلی کم و عدد ۳٪ درصد را در گزینه خیلی زیاد نشان می‌دهد. در ادامه یافته‌های پژوهش به صورت جدول و به شکل خلاصه بیان گردیده است.

ردیف	سؤالات	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	کتاب مضمون تاریخ در اتحاد مردم افغانستان نقش دارد.	۱۷.۵٪	۱۵.۰٪	۲۲.۰٪	۲۶.۰٪	۱۱.۵٪
۲	کتاب تاریخ صنف نهم و دوازدهم از تمام اقوام ساکن در این کشور نمایندگی می‌کند.	۲۰.۵٪	۱۸.۵٪	۳۳.۰٪	۱۴.۵٪	۵.۵٪

۳	کتاب تاریخ صنف هشتم و یازدهم از دلآوری‌های همه اقوام افغانستان یاد نموده است.	٪۱۴.۰	٪۲۵.۵	٪۲۷.۰	٪۱۹.۵	٪۶.۰
۴	در کتاب‌های درسی مکتب هویت یک قوم خاص برجسته شده است	٪۱۸.۰	٪۱۸.۰	٪۱۷.۵	٪۲۰.۵	٪۱۸.۰
۵	در کتب درسی صنوف ابتدایی از اتحاد نام برده نشده است.	٪۱۹.۵	٪۲۴.۰	٪۲۷.۵	٪۱۰.۰	٪۱۱.۰
۶	در کتب درسی از صنف اول تا ششم فرهنگ اقوام مختلف ساکن در کشور معرفی نشده است.	٪۱۹.۵	٪۲۶.۰	٪۲۱.۰	٪۱۵.۵	٪۱۰.۰
۷	محتوای کتب مضمون دینی از لحاظ کیفیت باعث دلزدگی شاگردان از مکتب، دین و جامعه می‌گردد.	٪۲۷.۰	٪۲۳.۵	٪۱۹.۵	٪۱۰.۵	٪۱۱.۵
۸	در متن کتب دینی بر اتحاد دو مذهب شیعه و سنی تأکید شده است.	٪۲۴.۰	٪۱۷.۵	٪۲۲.۰	٪۱۳.۰	٪۱۵.۵
۹	محتوای مضامین دینی می‌تواند سبب اتحاد و ایجاد دوستی بین شاگردان گردد.	٪۷.۵	٪۱۱.۵	٪۱۸.۵	٪۲۷.۵	٪۲۷.۵
۱۰	مضمون فرهنگ نمایندگی از همه اقوام ساکن در افغانستان می‌نماید.	٪۱۶.۵	٪۱۳.۰	٪۲۹.۰	٪۲۱.۰	٪۱۲.۵
۱۱	مضمون ادبیات نمایندگی از همه شاعران کشور دارد.	٪۲۰.۰	٪۱۵.۰	٪۲۵.۵	٪۱۷.۵	٪۱۴.۰
۱۲	شاگردان مکاتب به کتاب‌های که آن‌ها را به اتحاد و دوستی فرامی‌خوانند علاقه دارد.	٪۴.۵	٪۱۲.۵	٪۲۵.۵	٪۱۹.۰	٪۳۰.۵
۱۳	کتاب‌های درسی بیشتر از اشتراکات فرهنگی سخن گفته‌اند.	٪۱۴.۵	٪۳۰.۵	٪۳۱.۵	٪۱۱.۰	٪۴.۵

٪۴.۵	٪۱۱.۵	٪۳۳.۵	٪۲۳.۵	٪۱۹.۰	۱۴	ساختار ادارات آموزشی افغانستان نمایانگر احترام به اعتقادات، فرهنگ و حقوق اقوام ساکن در افغانستان است.
٪۱۶.۰	٪۲۵.۰	٪۲۵.۰	٪۱۶.۵	٪۹.۰	۱۵	شیوه‌های تدریس معلمان به گونه‌ای است که اقوام در کنار همدیگر برنامه‌های درسی را به پیش می‌برند.
٪۲۰.۵	٪۲۸.۰	٪۲۸.۰	٪۱۱.۰	٪۴.۵	۱۶	شیوه‌های تدریس معلمان زمینه احترام متقابل فرهنگ‌های مختلف را فراهم می‌کند.
٪۲۵.۰	٪۲۰.۵	٪۲۰.۰	٪۱۲.۵	٪۱۴.۰	۱۷	یونفورم شاگردان در مکاتب ریشه در فرهنگ لباس پوشیدن مردم افغانستان دارد.
٪۱۲.۰	٪۲۱.۰	٪۳۲.۰	٪۱۵.۰	٪۱۲.۰	۱۸	معلمان می‌توانند یک موضوع درسی را برای اتحاد شاگردان دست‌کاری کنند.
٪۳۰.۰	٪۲۴.۵	٪۱۸.۰	٪۱۱.۰	٪۸.۵	۱۹	سرود ملی کشور که نام اقوام افغانستان در آن آمده است بیان‌کننده اتحاد مردم افغانستان است.
٪۳.۶	٪۶.۰	٪۱۶.۰	٪۲۶.۰	٪۴۱.۰	۲۰	بودجه آموزشی در کل کشور یک سان تقسیم می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

پس به این نتیجه میرسیم که بودجه دولت در افغانستان یکسان توزیع نمی‌گردد و داده‌های آماری ما در این تحقیق نشان داد که کتاب‌های درسی از لحاظ متن و محتوا و هم از لحاظ تصاویر به اتحاد بین اقوام اشاره نکرده و روش تدریس معلمان هم آنطور که باید و شاید به فکر اتحاد شاگردان و از طریق آن‌ها به فکر اتحاد جامعه نیستند و کورکورانه محتوا را دانسته و یا نادانسته تدریس می‌کنند

و از روش تدریس گروهی یا مناقشه خیلی کم کار می‌گیرند. باید کوشش شود شاگردان با فرهنگ همدیگر آشنا شوند و در محتوای نصاب تعلیمی و تربیت معلمان چندفرهنگی و دلسوز و ایجاد روش‌های تدریس متنوع تغییرات اساسی در پلان وزارت معارف به وجود بیاید. و در رابطه به سؤال بودجه آموزشی در کل کشور یکسان توزیع می‌شود جدول نشان داد از ۲۰۰ نفر شرکت‌کننده ۶۱ درصد خیلی کم، و ۳ درصد خیلی زیاد را از گزینه‌های پنجگانه انتخاب کرده بودند. اکثر سؤالات پرسش‌نامه همین آمار را نشان داده که مشت نمونه خروار است. و کسانی که علاقه دارند در این مورد بیشتر بدانند می‌توانند به پایان‌نامه این جانب مراجعه و سؤالات پرسش‌نامه را دیده و فیصدی گزینه‌های انتخاب شده را مشاهده کنند.

پس می‌توانیم بگوییم باید در مضامین علم دینی تجدید نظر گردیده و در یک کتاب از هر دو مذهب شیعه و سنی مشترکان دینی به چاپ برسد و در کانکور هم سؤال از هر دو مذهب ۹۵ درصد و اختلافات ۵ درصد است که باید مشترکات برجسته شود. در حالی که کتاب‌های دینی مذهب حنفی را جدا و مذهب جعفری را جدا چاپ نموده که به صورت درست توزیع نمی‌گردد و بعضاً هم شاگردان دوره لیسسه هدف اصلی شان راه یافتن به تحصیلات عالی از طریق کنکور است که هیچ علاقه‌ای به یادگیری این مضمون نشان نمی‌دهند و باید از لحاظ چاپ کتب مضمون دینی برای صنوف ابتدایی نیز تجدید نظر صورت گیرد.

مثلاً در کتاب دینی صنف اول به صورت انتزاعی به شاگرد می‌آموزیم که خداوند (ج) آفریننده کوه‌ها، دریاها، زمین، آسمان، ستارگان، خورشید و مهتاب و انسان‌ها و حیوانات است و شاگردان در قدم اول برداشت مکانیکی نموده و زود به باد فراموشی می‌سپارد و در قدم دوم کیفیت کتاب بدون عکس برای شاگرد صنف اول جاذبه ندارد و باید کتاب‌ها با طرح‌های رنگی با محتوای کم و هر کدام دارای عکس‌های جالب از کوه و جنگل و حیوانات و... زیرا شاگرد خط

کتاب را هم در صنف اول خوانده نمی‌تواند و شاگرد صنف اول باید کتاب‌ها را از روی عکس با محتوای بسیار کم یاد گرفته و کتاب‌ها شاگرد را مجذوب خود نماید و قدرت یادگیری و علاقه نسبت به کتاب را افزایش دهد.

همچنین در کتب تاریخ از قهرمانی و دلاوری‌های دیگر اقوام یاد نشده و اگر هم یادی از اقوام دیگر باشد بسیار اندک است و آماري که ما از معلمین گرفتیم تقریباً نود درصد از معلمین از محتوای کتب درسی شکایت داشته و از تبعیض آشکار سخن به میان آوردند. در مضامین ادبیات و فرهنگ از فرهنگ همه مشاهیر و همه اقوام یاد نشده و این که در کتب درسی افغانستان نقش یک قوم خاص برجسته شده که باعث ایجاد تنفر دو طرفه بین شاگردان و بعضاً جامعه می‌گردد. باید تا می‌توانیم ریشه تبعیض را از طریق محتوا و روش تدریس معلمان خشکانیده و بعداً بتوانیم از طریق معارف به سوی اتحاد و جامعه متحد و قوی در برابر دسیسه‌های دشمن بتازیم. محتوای کتاب‌ها به دنبال یکسازي فرهنگی بوده و در تمامی مقوله‌های استخراج شده توجه و مرکزیت دادن به فرهنگ مسلط به چشم می‌خورد.

در این تحقیق نوع پژوهش کیفی و از روش توصیفی-تحلیلی استفاده به عمل آمد و یافته‌های این تحقیق نشان داد که:

۱. افغانستان در وضعیت نابسامان از لحاظ امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به سر می‌برد.
۲. به فرهنگ و تنوع فرهنگی توجه صورت نگرفته و تبعیض در تمام ارگان‌های دولتی و خصوصی مخصوصاً وزارت معارف بیداد می‌کند.
۳. آموزش چندفرهنگی در معارف افغانستان وجود ندارد.
۴. توجه به برنامه درسی چندفرهنگی در شرایط کنونی جهانی و ملی یک ضرورت است.
۵. دولت افغانستان باید به وزارت معارف توجه بیشتری مبذول دارد.

## منابع

۱. پرویز، غلامحسین، (۱۳۹۵)، ارزشیابی برنامه درسی (تعلیمات تخنیکی مسلکی)، وزارت معارف افغانستان، جامعه المصطفی العالمیه-واحد کابل.
۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، (نسخه نرم‌افزاری).
۳. صادقی، علیرضا، (۱۳۹۱)، «ویژه گی ها و ضرورت های تدوین برنامه درسی چندفرهنگی در ایران»، راهبرد فرهنگ، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پروتال جامع علوم انسانی.
۴. عبدلی، جواد، احمدی، سلطان، صادقی، علیرضا، (۱۳۹۴)، «فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران»، سال دهم، شماره ۳۹.
۵. فیاض، محمد حسن، (۱۳۹۷)، «بایسته‌های معارف در اتحاد جامعه چندفرهنگی با توجه به افغانستان»، فصلنامه اندیشه معاصر (ویژه نظام تعلیمی-تحصیلی افغانستان)، نشریه علمی تخصصی بنیاد اندیشه، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۹۷.
۶. فیاض، فیض الله، (۱۳۹۶)، جایگاه کنترول و نظارت در نظام آموزشی وزارت معارف افغانستان، دانشگاه المصطفی-واحد کابل.
۷. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۸. محسنی، محمد جواد، (۱۳۹۵)، تبیین نقش چندفرهنگی گرایي در حل بحران افغانستان، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
۹. مصطفی زاده، اسماعیل و دیگران، (۱۳۹۸)، «ضرورت های آموزشی چندفرهنگی و واکاوی عناصر و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت چندفرهنگی»، پژوهش در برنامه درسی، سال ۱۶، دو دوم، شماره ۳۳، بهار ۹۸.
۱۰. هواس بیگی، فاطمه، صادقی، علیرضا، (۱۳۹۸)، «مفهوم‌پردازی فرایند آموزش چندفرهنگی از منظر معلمان اقوام ایرانی»، مجله علمی-پژوهشی «پژوهش‌های برنامه درسی»، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره نهم، شماره اول، (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۹۸.